



## Was Frēdōn, the Possessor of Three Powers, a Warrior, a Physician, or a Prophet? (Based on the Three Texts: Sūdgar Nask, Waršt-Mānsar Nask and the Manichaean Text “dr”)

Poorchista Goshtasbi Ardakany<sup>1</sup> , Zohreh Zarshenas<sup>2</sup> , Farzaneh Goshtasb<sup>3</sup> 

1. Corresponding Author, PhD Candidate of Ancient Iranian Languages, Faculty of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. E-mail: [p.goshtasbi@ihcs.ac.ir](mailto:p.goshtasbi@ihcs.ac.ir)

2. Professor of Ancient Iranian Languages, Faculty of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. E-mail: [zarshenas@ihcs.ac.ir](mailto:zarshenas@ihcs.ac.ir)

3. Professor of Ancient Iranian Languages, Faculty of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. E-mail: [f.goshtasb@ihcs.ac.ir](mailto:f.goshtasb@ihcs.ac.ir)

### Article Info

### Abstract

**Article Type:**  
Research Article

**Article History:**  
**Received:**  
10, February, 2025

**In Revised Form:**  
11, January, 2025

**Accepted:**  
8, November, 2025

**Published Onlin:**  
4, February , 2026

**Keywords:** Sūdgar Nask,  
Waršt-Mānsar Nask,  
Manichaean texts ,  
Frēdōn,  
Shahnameh,  
Myth.

Frēdōn is one of the most famous mythical heroes of Iran who defeated Zahhak and imprisoned him on Mount Damavand. In this study, the myths about Frēdōn that appear in the Sūdgar Nask and Waršt-Mānsar Nask, along with the Manichaean text “dr”, in which Frēdōn’s name is mentioned as the destroyer of fever and disease, are compared with the Avesta and Zand to determine whether the myth of Frēdōn in these texts is authentic or not. According to the investigations, it was found that the myth of “beating and imprisoning Zahhak by Frēdōn” is an original myth that is also found in Avesta and is also mentioned in the Shahnameh, Garshasnameh, and Kushnameh with similarities to the Sūdgar Nask. The myth of “Frēdōn’s use of enchantment and magic to overcome the Māzandar Daēvas” is not original and was created by the guest verses in this chapter, and it has not been mentioned in the Shahnameh and Kushnameh. The myth of “Frēdōn’s healing and his struggle with fever and illness” that appears in the Manichaean text “dr” is an original myth and appears in the Avesta. The myth of “Ohrmazd’s offering the mission of religion to Frēdōn and Frēdōn’s disobedience to Ohrmazd” that is mentioned in the Waršt-Mānsar Nask is a created myth and is made by the guest verses mentioned in this chapter.

Cite this The Author (s): Goshtasbi Ardakany, P, Zarshenas, Z., Goshtasb, F; (2026), Was Frēdōn, the Possessor of Three Powers, a Warrior, a Physician, or a Prophet? (Based on the Three Texts: Sūdgar Nask, Waršt-Mānsar Nask and the Manichaean Text “dr”). Iranian Studies Vol. 15, No. 4, winter,:(129-150). DOI: [10.22059/jis.2025.389555.1336](https://doi.org/10.22059/jis.2025.389555.1336)



Publisher: University of Tehran

[https://jis.ut.ac.ir/article\\_102360.html](https://jis.ut.ac.ir/article_102360.html)



## فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر نسک و متن مانوی dr)

پورچیستا گشتاسبی اردکانی<sup>۱</sup>✉، زهره زرنشاس<sup>۲</sup>، فرزانه گشتاسب<sup>۳</sup>

[p.goshtasbi@ihcs.ac.ir](mailto:p.goshtasbi@ihcs.ac.ir)  
[zarshenas@ihcs.ac.ir](mailto:zarshenas@ihcs.ac.ir)  
[f.goshtasb@ihcs.ac.ir](mailto:f.goshtasb@ihcs.ac.ir)

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، رایانامه:  
۲. استاد زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، رایانامه:  
۳. استاد زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، رایانامه:

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۲۲

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۸/۱۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۱/۱۵

فریدون از نام‌آورترین پهلوانان اسطوره‌ای ایران است که بر ضحاک چیره شد و او را در کوه دماوند به بند کشید. در این پژوهش اسطوره‌هایی که در سودگرنسک و ورشت‌مانسرنسک درباره فریدون آمده است به همراه متن مانوی dr که در آن نام فریدون به عنوان از بین برنده تب و بیماری ذکر شده است، با اوستا و زند تطبیق داده می‌شود تا اصیل بودن یا غیر اصیل بودن اسطوره فریدون در این متون مشخص گردد. طبق یافته‌های پژوهش، اسطوره «زدن و به بند کشیدن ضحاک» در سودگرنسک اسطوره‌ای اصیل است و در اوستا آمده است و در شاهنامه، گرشاسب‌نامه و کوش-نامه نیز با شباهت به سودگرنسک ذکر شده است. اسطوره «استفاده فریدون از افسون و جادو برای غلبه بر دیوهای مازندران» اصیل نیست و خلق شده توسط بندهای مهمان‌شده در این فرگرد است و در شاهنامه و کوش‌نامه نیز به آن اشاره نشده است. اسطوره «درمانگری فریدون و مبارزه او با تب و بیماری» که در متن مانوی dr آمده است، اسطوره-ای اصیل است و در اوستا آمده است. اسطوره «دادن پیشنهاد رسالت دین توسط اورمزد به فریدون و نافرمانی کردن فریدون از اورمزد» که در ورشت‌مانسرنسک ذکر شده است، اسطوره‌ای است که توسط بندهای مهمان در این فرگرد خلق شده است.

واژه‌های کلیدی: سودگرنسک، ورشت مانسرنسک، متن مانوی، فریدون، شاهنامه، اسطوره.

**استناد:** گشتاسبی اردکانی، پورچیستا، زرنشاس، زهره، گشتاسب، فرزانه؛ (۱۴۰۴). فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر نسک و متن مانوی dr). پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۱۵، شماره ۴، زمستان. (۱۲۹-۱۵۰).

DOI:10.22059/jis.2025.389555.1336



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

[https://jis.ut.ac.ir/article\\_102360.html](https://jis.ut.ac.ir/article_102360.html)

## ۱. مقدمه

کتاب دینکرد، مهمترین متن فارسی میانه است که به معنی «کردهٔ دین» یا «رسالهٔ دین» است. این کتاب بر اساس اوستا و ترجمه‌ها و تفسیرهای آن تدوین شده است. کتاب نهم دینکرد شامل سه نسک گاهانی سودگرنسک، ورثت مانسرنسک و یغ نسک است. در کتاب نهم دینکرد، در دو بخش سودگرنسک و ورثت مانسرنسک اسطوره‌هایی دیده می‌شود که در هیچ متن دیگری از آنها سخن نرفته است.

فرضیه‌ای که برای این پژوهش وجود دارد این است که برخی از اسطوره‌های موجود در کتاب دینکرد در مورد فریدون، اسطورهٔ اصیل نیست و شاید به طریق دیگری ساخته و در این کتاب نوشته شده است. هدف از انجام این پژوهش این است که برخی از اسطوره‌ها که در سودگرنسک و ورثت مانسرنسک و همچنین متن فارسی میانهٔ مانوی dr به فریدون نسبت داده شده است، با اوستا و زند تطبیق داده شود و مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص گردد منشأ این اسطوره‌ها از کجاست.

## ۲. پیشینهٔ پژوهش

متن پهلوی دینکرد را مدن (Madan, 1911)، درسدن چاپ عکسی نسخهٔ B (Dresden, 1966) و سنجانا ترجمهٔ کامل دینکرد (Sanjana, 1874-1928) منتشر کرده‌اند. وست ترجمهٔ کتاب‌های هشتم و نهم دینکرد را در سال ۱۸۹۲ منتشر کرده است (West, 1892). موله (Mole, 1963) در کتاب آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی در ایران باستان که رسالهٔ دکتری وی بوده است، ترجمهٔ بخش‌هایی از کتاب نهم دینکرد را آورده است. فاطمه سیدی در سال ۱۳۹۲ رسالهٔ دکتری خود را با عنوان «بررسی یغ نسک از کتاب نهم دینکرد» در رشتهٔ فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دفاع کرده است. در سال ۱۳۹۷ کتابی با عنوان تصحیح و ترجمهٔ سوتگرنسک و ورثت مانسرنسک منتشر شد که رسالهٔ دکتری احمد تفضلی است که در سال تحصیلی ۱۳۴۴-۱۳۴۵ در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران دفاع شده است (تفضلی، ۱۳۹۷). در سال ۱۳۹۹ کتابی با عنوان سودگرنامه: سودگرنسک از کتاب نهم دینکرد منتشر شده است که مؤلف آن پورچیستا گشتاسبی اردکانی نخستین نسک گاهانی از کتاب نهم دینکرد را برای نخستین بار به شیوهٔ مکنزی حرف‌نویسی و آوانویسی کرده و برای این نسک برگردان فارسی، یادداشت‌های مربوط به متن و واژه‌نامهٔ بسامدی پهلوی-فارسی ارائه کرده است و کل این نسک را نیز بر وزن شاهنامهٔ فردوسی به نظم درآورده است (گشتاسبی اردکانی، ۲۰۲۰). وواینا نیز در رسالهٔ دکتری خود بخشی را به ترجمهٔ سودگرنسک که نخستین نسک گاهانی کتاب نهم دینکرد است اختصاص داده است که در سال ۲۰۲۳ به صورت کتابی با عنوان: The “Sudgar Nask” of “Denkard” Book 9: Text, Translation and Critical Apparatus منتشر شده است (Vevaina, 2023). چنگیز مولایی مقاله‌ای را با عنوان «معنی نام فریدون و ارتباط آن با سه نیروی او در سنت‌های

اساطیری و حماسی ایران» منتشر کرده است (مولایی، ۱۳۸۸). مینا مرادی مختار خانلو پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «فریدون در متون اوستایی، پهلوی و شاهنامه» در سال ۱۳۹۰ در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در دانشگاه شیراز دفاع کرده است. وی گردآوری مطالبی را که نام فریدون در آن ذکر شده است، در این پایان‌نامه انجام داده است.

### ۳. روش پژوهش

شیوه انجام پژوهش و بررسی داده‌ها به روش توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌های این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. اطلاعات و داده‌های این پژوهش از منابع گوناگونی چون کتاب و مقاله گردآوری می‌شود و پس از آن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در این پژوهش آوانویسی‌های پهلوی متن دینکرد و متن زند به شیوه مکنزی نوشته شده است.

### ۴. یافته‌های پژوهش

#### ۴-۱. فریدون و نیروهای او در سودگرنسک

در فرگرد بیستم سودگرنسک که *vohū.xšaθra* نام دارد، درباره فریدون و نیروهایش مطالبی آمده است. چنان که گشتاسبی اردکانی در مقاله ۲۰۲۴ خود (Goshtasbi Ardakany, 2024) به این موضوع اشاره کرده است، نویسنده دینکرد یعنی آذرباد امیدان برای ساخت قطعات فرگردهای این کتاب از بندهایی به عنوان بند اصلی اوستا، و از بندهایی به عنوان بند مهمان شده در فرگردها استفاده کرده است تا قطعات متن را بسازد.

تعریف آذرباد امیدان از نسک گاهانیک:

7 gāhānīg čē ō gāhān kard ēstēd u-šān nām ān ī gāhānīg hād nērang, ī ast Stōt yasnu ud Sūdgar ud Waršt-Mānsar ud Baγ, Wašttag ud Hādōxt ud ān ī ān gāhānīg grift ēstēd Spand (Madan, 1911: 678/ line 1-4; Goshtasby Ardakany, 2024).

هفت تا گاهانی است، زیرا با گاهان ساخته شده است و نامشان متعلق به نیرنگ هات گاهانی، که عبارتند از: ستوت یسن و سودگر و ورشتمانسر و بَغ، وشتگ و هادخت و آن که متعلق به گاهانی گرفته شده است، سپند.

تعریف آذرباد امیدان از بند اصلی و مهمان:

andar har(w) 3, har(w) 3 hast. andar gāhānīg hādag-mānsarīg ud dādīg. ud andar hādag-mānsarīg, gāhānīg ud dādīg, ud andar dādīg, gāhānīg hādag-mānsarīg. jud jud ān ī xwad mādayānīhā ud mādagwarīhā ud <sup>+</sup>mehmānīhā, ud ān ī did bahrīg. ud andar āwurd mehmānīg u-š čim andar mēnōg ud gētīg ud andar gētīg ud mēnōg ud andar ān ī mayānag ī har(w) 2, har(w) 2 (Madan, 1911: 678/ line 14-20; Goshtasbi Ardakany, 2024).

در هر سه، هر سه هست. در گاهانیک، هادگ‌مانسریگ و دادیگ. و در هادگ‌مانسریگ، گاهانیک و دادیگ، و در دادیگ، گاهانیک <و> هادگ‌مانسریگ. جدا جدا آنچه ماهیتاً و اساساً، با مهمان بودن، و آنچه منسوب به بخش دیگر است. و در آن آوردم به صورت مهمان و دلیلش در مینو و گیتی و در گیتی و مینو و در آنچه میانه هر دو است، شامل هر دو است.

۱۳۳ فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورثت مانسر نسک و متن مانوی.

آذرباد آنچه را که اصلی و متعلق به یک نسک است، به صورت mādayānīhā ud mādagwarīhā و آنچه را که به صورت مهمان شده و متعلق به بخش‌های دیگر است به صورت +mehmānīhā ud ān ī did bahrīg مشخص کرده است. یعنی اگر نسک گاهانی باشد، آنچه از گاهان و هات گاهانی در آن نوشته شده است اصلی است و آنچه از نسک‌های دادیگ و هادگ‌مانسریگ در آن نوشته شده است، به صورت مهمان (مهمانی) و متعلق به بخش دیگر نام دارد. آذرباد امیدان، دینکرد را با استفاده از واژه‌ها، عبارات و بندهای گوناگون اوستا که در کنار هم قرار داده است نوشته است و شیوه نوشتاری دینکرد به خود او اختصاص دارد. در پژوهش حاضر این روش هنگام بررسی متن آورده شده است که بند اصلی است یا مهمان شده و متعلق به بخش دیگر است.

#### ۴-۱-۱. نیروی پهلوانی فریدون در سودگرنسک با سه سلاح

در فرگرد بیستم سودگرنسک، دقیقاً پیش از آمدن موضوع «زردن ضحاک توسط فریدون»، بند اصلی این فرگرد ذکر شده است، یعنی آنچه متعلق به هات Vohuxšaθrā از گاهان (Y. 51) است، زیرا با این تلمیح و اشاره به گاهان، این قطعه به نام این فرگرد منسوب می‌گردد:

+ā-m +ō awē ī weh xwadāy kāmag bahr abar barišnih, tis ō awē dahēm kē xwadāyih ī weh abāyēd ka kunēd (Madan, 1911: 811; گشتاسبی اردکانی، ۱۳۹۹: ۸۱)

پس مرا به او که نیک سرور <است> کامه، بهر برش بُردن (= به ارمغان بُردن). چیز به او دهم که سرورِ نیک باید چون کند (گشتاسبی اردکانی، ۱۳۹۹: ۸۳).

این قطعه برگرفته از گاهان، بند نخست هات ۵۱ یسنا است:

**Avesta:** vohū xšaθrēm vairīm, bāgəm aibī.bairīštəm (Y. 51/1/ a).

قدرت خوبی که شایسته انتخاب است، که بیشترین سهم را به ارمغان می‌آورد (Humbach & Ichapor, 1994: 97).

**Zand** (Y. 51/1 a): ō-m awē ī weh xwadāy kāmag, bahr abar barišnih [kū bahr ō awē kas dahēm kē xwadāy ī nek abāyēd] (Dhabhar, 1949, 222).

مرا به او که سرورِ نیک <است> کامه، بهر به ارمغان بُردن [یعنی، بهر را به آن کس دهم

که سرورِ نیک باید <بودن>].

در اوستا و زند، اشاره به پادشاهی و سروری گشتاسب است که در بند ۱۶ هات ۵۱ یسنا، نام گشتاسب ذکر شده است؛ اما آذرباد امیدان، در داستان فریدون آن را آورده است و سرورِ نیک را به فریدون نیز نسبت داده است. در واقع چون موضوع پادشاهی و سروری نیک بوده است، آذرباد این تلمیح را آورده و به پادشاهی گشتاسب اشاره کرده است که هر دو پادشاهی شبیه هم هستند. آذرباد پس از ذکر این بند اصلی گاهانی که مربوط به این فرگرد گاهانی است، عبارات، واژه‌ها و جملاتی را از بندهای دیگر اوستا به عنوان مهمان در ادامه آورده است که بدین شرح است:

ud abar wānīdan ī **Frēdōn** Dahāg margēnīdan rāy **wazr** abar parīg/frēg, dil, mastarag-iz zadan. ud nē murdan ī Dahāg az ān zanišn ud pas pad **šafšēr** zadan ud pad fradom dudīgar sidīgar zanišn az tan ī Dahāg was ēwēnag xrafstar waštan. guftan ī dādār-Ohrmazd ō Frēdōn kū-š mā karrēnē kē Dahāg, cē agar-iš karrēnē



۱۳۵ فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورثت مانسر نسک و متن مانوی.

۵۸). در شاهنامه نکاتی ذکر شده است که به دینکرد شباهت بسیار دارد. شباهت‌ها در شاهنامه و این قطعه بدین شرح است:

**سودگرنسک: و درباره مغلوب کردن فریدون ضحاک را، ... گرز بر ... جمجمه <ضحاک> زدن. ... گفتن دادار اورمزد به فریدون که او را نشکافی ... با روشی بستن با بند سخت، ... شاهنامه:**

بیامد فریدون به کردار باد	ز بالا چو پی بر زمین برنهاد
بزد بر سرش ترگ بشکست خرد	بران گرزۀ گاوسر دست بُرد
مَزَن گفت، کاو را نیامد زمان	بیامد سروش خجسته دمان
بیر تا دو کوه آیدت پیش تنگ	همیدون شکسته ببندش چو سنگ
نیاید برش خویش و پیوند او	به کوه اندرون به بُود بند او

(فردوسی، ۱۳۹۱: ۳۹).

سروش در شاهنامه به معنی «وحی یا الهام ایزدی» است (معنی مصراع: الهام خجسته ایزدی به سرعت بیامد) و این مصراع با «گفتن دادار اورمزد به فریدون» در سودگرنسک مطابقت دارد. به نظر می‌رسد کتاب دینکرد یکی از منابعی بوده است که فردوسی برای سرودن شاهنامه از آن بهره جسته است، البته فردوسی مطالب را به صورت گزیده از منابع مختلف در اشعار شاهنامه آورده است. مرادی مختار خانلو در پایان‌نامه خود در بخشی که مطالب مربوط به فریدون در شاهنامه را گردآوری کرده است، تنها سه بیت را در پژوهش خود ذکر کرده است، یعنی از بیت «بیامد سروش خجسته دمان» تا «نیاید برش خویش و پیوند او» (مرادی مختار خانلو، ۱۳۹۰: ۹۰-۹۱). همچنین در گرشاسب‌نامه و کوش‌نامه نیز مطالبی آمده است که به این قطعه از سودگرنسک شباهت دارد: **گرشاسب‌نامه** (پادشاهی فریدون و نامه فرستادن به گرشاسب):

بیامد فریدون به شاهنشاهی	وز آن مارفش کرد گیتی تهی
سرش را به گرز کبی کوفت خرد	ببستش، به کوه دماوند بُرد

(اسدی توسی، ۱۳۸۹: ۲۹۳).

**کوش‌نامه** (نامه فرارنگ به پدر درباره پیروزی فریدون و بند کردن ضحاک):

که فرزند من فر خجسته نهاد	فریدون که بر شاه فرخنده باد
ز یزدان همه کامگاری بیافت	چو از کوه بر جنگ دشمن شتافت
به یک زخم ضحاک را کرد پست	دو دست و دو پایش به آهن بست
زبویان کنون جای زندان اوست	همه قلعه پرگزند آن اوست

(ایرانشان بن‌ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۴۳۸).

#### ۴-۱-۲. نیروی افسونگری فریدون در سودگرنسک

در فرگرد بیستم سودگرنسک درباره رویارویی فریدون با دیوان مازندر و نیروی افسونگری او مطالبی آمده است. در این فرگرد پس از نیروی پهلوانی و پیروزی فریدون و بند کردن ضحاک و رفتن او به مفاک ضحاک و ربودن دو همسر ضحاک، از نیروی افسونگری فریدون برای مقابله

با دیوان مازندر سخن رفته است؛ اما در سودگرنسک از نیروی پزشکی فریدون مطلبی نیامده است.

ud abar hampursīd māzandarān dehān, pas az wānīdan ī Dahāg, pad dāštan ī ō Xwanirah ud <sup>+</sup><framān> spōxtan ī Frēdōn az-iš. <Frēdōn> pad mānišn frāz kardan ī ham-gyāg pad was marag padīd. u-šān bulandīh rāy zrēh ī Frāxkard ast kū tā mayān-rān ast kū tā nāfag ud ān ī zofīrtar gyāg tā ō dahān mad (Madan, 1911: 812-813; ۸۱: ۱۳۹۹، گشتاسی اردکانی).

و درباره گفتگوی سرزمین‌های مازندران،<sup>(۵)</sup> پس از مغلوب کردن ضحاک، تصور کردن که در خونیره <است> و نافرمانی کردن فریدون از او. <فریدون> برای اقامت کردن همانجا، با تعداد بسیاری نبرد کرد. آنها را بلندی دریای فراخکرد است که تا میان ران است، که تا ناف و آن جای ژرف‌تر تا به دهان آمدن (گشتاسی اردکانی، ۱۳۹۹: ۸۴).

ud abar ham-rasišnīh ī Frēdōn abāg māzandarān dehān pad dašt ī pēšānīkas ī pahikārdan ī ō awēšān... ēn-iz kū be pas tazīd ud pērōzgar Frēdōn ō bālist ī pēš tazīd. u-š wēnīg ān frōgīd kū-š be daftan az dašn wēnīg ī awē snāxr padīd hēnd ī hamāg sard ī zamestānān-<sup>+</sup>dahišn <sup>+</sup>ī burrāg ī tēz. ud az hōy wēnīg ī awē sag padīd hēnd ī kadag-masāy ī <sup>+</sup>hamāg <sup>+</sup>tāft ī <sup>+</sup>ātaxšān-dahišn ī burrāg ī tēz. <sup>+</sup>a-z <sup>+</sup>nē-š <sup>+</sup>sraw <sup>+</sup>andar (Madan, 1911: 813-814).

و درباره دیدار فریدون با ساکنان سرزمین‌های مازندران، در دشت پیشانی‌کس مجادله کردن با آنها .... این نیز که عقب دوید و فریدون پیروزگر به قلّه مقابل دوید. بینی اش آن <گونه> درخشید که به دمیدنش از بینی راست او برف‌ها افتادند که همه سرد زمستانی‌کننده بُرنده تیز، و از بینی چپ او سنگ‌ها<sup>(۶)</sup> کی به اندازه کده افتادند، که همه گرم آتشی-کننده بُرنده تیز.<sup>(۶)</sup> پس نیز سخن شهرت‌یافته درباره آن نیست.<sup>(۷)</sup>

در شاهنامه فردوسی آمده است که فریدون پس از رسیدن به پادشاهی در بیشه همیشه اقامت کرده است و از جنگ فریدون با مازندران سخنی به میان نیامده است:

از امل گذر سوی همیشه کرد      نشست اندر آن نامور بیشه کرد  
کجا کهز جهان گوش خوانی همی      جز این نیز نامش ندانی همی  
(فردوسی، ۱۳۹۱: ۴۰).

پس از این ابیات، در شاهنامه، فریدون جندل را به یمن می‌فرستد تا سه دختر شاه یمن را برای سه پسرش بخواهد (فردوسی، ۱۳۹۱: ۴۰). یمن در مازندران مغرب قرار دارد.<sup>(۸)</sup>

این قطعه از دینکرد، از بندهایی از اوستا ساخته شده است که متعلق به بخش‌های گوناگون اوستا هستند و در این فرگرد به عنوان مهمان نوشته شده‌اند.<sup>(۹)</sup> این قطعه که از ترکیب چندین بند اوستایی توسط آذرباد امیدان ساخته شده است، اسطوره‌ای جدید را ساخته است که در فرگرد بیستم سودگرنسک به فریدون نسبت داده شده است.<sup>(۱۰)</sup> افسونگری متعلق به فریدون در این قطعه، افتادن از بینی راست او برف‌ها که همه سرد زمستانی‌کننده بُرنده تیز، و افتادن از بینی

۱۳۷ فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشکی یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورثت مانسر نسک و متن مانوی.

چپ او سنگ‌های به اندازه کده، که همه گرم آتشی‌کننده بُرنده تیز، بوده است. درباره جنگ ایرانیان با سیاهان مازندران در کوش‌نامه مطالبی آمده است:

### (جنگ‌های ایرانیان با سیاهان بجه و نوبی در کشور باختر)

سپاهی فرستاد و باز آمدند	به تن خسته و دل‌گداز آمدند
سپاهی دگر خسرو دادگر	فرستاد و رنجش نیامد به بر
به تیغ سیاهان همه کشته شد	دل خسته از رزم برگشته شد
فزون کرد لشکر جهاندار شاه	درنگی نبودند با او سپاه
شکسته دگر باره گشتند باز	دریده درفش و پراکنده ساز
از ایران، و ز روم، و ز ترک و چین	سپاهی گزین کرد شاه زمین
نریمان گرشاسب و قارن بهم ...	سپه برکشیدند هنگام نم ...
چو پیوسته شد جنگشان چار ماه	ستوه آمد از گرز ایشان سیاه
سوی بجه و نوبه گشتند باز	دل از داغ دو پهلوان در گداز
سپاه نریمان و قارن بهم	کشیده ز رنج سیاهان ستم
به درگاه از آن پس رسیدند باز	بگفتند با خسرو سرفراز
ز رنجی کز آن لشکر زشتروی ...	کشیدند گردان پرخاشجوی ...
فریدون بر ایشان بخواند آفرین	وز آن شادمان گشت شاه زمین
زمین بجه هر که او داندش	جهان‌دیده مازندران خواندش
فریدون فرستاد از آن پس سری	بدو داد از ایرانیان لشکری
بدان تا نگه دارد آن مرز و بوم ...	ز بیداد و تیغ سیاهان شوم ...
دگر باره نوبی چو مور و ملخ	بیامد گرفت آن همه کوه و شیخ
سپاه فریدون از آن سان گریخت	که از بیم در راه ترکش بریخت
سیاهان به تاراج بردند دست	همه مرز یکباره کردند پست

(ایرانشان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۵۳۴-۵۳۶)

ایرانشان بن ابی‌الخیر داستان فریدون را برای خوشایند غیاث‌الدین ابوشجاع محمد بن ملک‌شاه سلجوقی تغییر داده است تا جایگاه بالاتری نزد شاه پیدا کند و هدایای بیشتری دریافت کند،<sup>(۱۱)</sup> اگرچه وی در این داستان از مسعودی<sup>(۱۲)</sup> نام می‌برد و به او ارجاع می‌دهد. به نظر می‌رسد دشت پیشانی‌کس در سودگرنسک باید در مازندران مغرب باشد و با دشت پیشانسه یکی نیست؛ زیرا در بندهش آمده که دشت پیشانسه در کابلستان است (Pakzad, 2005: 343). در هر صورت فریدون در سودگرنسک، در جنگ با آنان پیروز شده است؛ اما ایرانشان بن ابی‌الخیر، سراینده کوش‌نامه چنین آورده است که لشکر فریدون بارها و بارها شکست خورده است. و اما به این نیز بسنده نمی‌کند و در کوش‌نامه بیان کرده است که فریدون از روی ناچاری دست به دامن کوش می‌شود. فریدون که پیش از این کوش را در دماوند به بند کشیده است، دستور می‌دهد تا او را آزاد کنند و او را مورد لطف و مهربانی قرار می‌دهد و به او هدایای فراوان می‌بخشد تا کوش به جنگ سیاهان مازندران برود (ایرانشان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۵۳۷-۵۴۲) و کوش در جنگ پیروز می‌شود. در

کوش‌نامه، «مازندران» سرزمینی است واقع در آفریقا و جنوب مصر. در همین کتاب، مازندرانی که کیکاوس برای تصرف آن لشکر کشید و اسیر دیوان گردید و آن گاه رستم برای نجات وی و ایرانیان از هفت خان معروف گذشت (شاهنامه فردوسی)، واقع در آفریقا و جنوب مصر است (کوش‌نامه، بیت‌های ۹۵۷۸ تا ۹۶۷۴، متنی، ۱۳۷۷: ۵۳۵). این بدان معناست که در کوش‌نامه در مازندران مغرب این جنگ رخ داده است. ایرانشان بن ابی‌الخیر در ذکر منبع کتاب بیان کرده است که داستان را از یکی از بزرگان شهر گرفته و به نظم در آورده است و از آن شخص نام نمی‌برد (ایرانشان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۴۱) و باید گفت که مشخص نیست داستان از ابتدا اشتباه بوده یا خود در آن تغییر داده است تا کوش را برتر از فریدون نشان دهد. در مجمل‌التواریخ و القصص آمده است: «و فریدون قارن کاوه را به چین فرستاد، تا کوش پیل‌دندان را بگرفت، بعد از آن به مازندران مغرب رفت و کروض شاه ایشان را بگرفت. ... پس فریدون کوش پیل‌دندان را از بند برگشاد و پادشاهی جنوب [و] مغرب دادش، و از بعد مدتی عاصی گشت و پسر کروض مازندرانی، هریده دیگر باره سپاه آورد، و شاه، سام نریمان را بفرستاد تا وی را بکشت. ... و سپس به گرگان بود، اول به زمین بابل بنشست، پس دارالملک به تمیشه ساخت» (مجم‌التواریخ و القصص، تصحیح بهار، ۱۳۸۴: متن ۴۱-۴۲؛ و تصحیح نحوی، ۱۴۰۰: ۱۲۳-۱۲۴).<sup>(۱۳)</sup> مشخص است که داستان در کوش-نامه تغییر کرده است، زیرا در مجمل‌التواریخ و القصص نیز مانند سودگرنسک، فریدون خود به مازندران مغرب می‌رود؛ اما در کوش‌نامه، فریدون سپاه فرستاده است و خود نرفته است.

#### سودگرنسک:

be bast pērōzgar ī tagīg ī Frēdōn az pāy ī gāw ī gušn ī Barmāyōn u-š ān ulīh ul dawēnīd, u-š awēšan kard dīg, ud kirb u-š awēšan be zad hēnd kē māzandarān deh, pad panjāh ṡanišnīh ud sad ṡanišnīh ud hazār ṡanišnīh ud bēwar ṡanišnīh ud amar ṡanišnīh. u-š ēdōn be zad hēnd pērōzgar ī tagīg Frēdōn, dō srišwādag ān ī māzandar deh, ud ēk srišwādag be mad zad ud wēmār. ud nē-z pas, Spitāmān Zarduxšt kē māzandar deh abar ēn kišwar ī Xwanirah raft hēnd, u-šān nē pad abar menišnīh-iz menīd kū šawēm bē az ān kē ēdōn nām būd hēnd, Spitiyōš Spānsnāyōš ud Arzrāspāh ī Spānsnāyōš kē tazīd hēnd pad xrad-xwāhišnīh ud raft hēnd abar Frašōštar ī Hwōwān (Madan, 1911: 814; ۸۲: ۱۳۹۹). (گشتاسپی اردکانی، ۱۳۹۹: ۸۲).

بیست فریدون پیروزگر چابک، از پای گاو نر برمایون و او را به بالای بلندی دواند و او آنها را <در> دیگ کرد<sup>(۱۴)</sup> و تن آنها را زد (= به تن‌های آنها آسیب وارد کرد) که اهل سرزمین مازندران بودند، با پنجاه تن کشتار و صد تن کشتار و هزار تن کشتار و ده‌هزار تن کشتار و بی-شمار کشتار. و دو سوم ساکنان سرزمین مازندر توسط فریدون پیروزگر دلیر کشته شدند، و یک سوم، زده و بیمار بیامد. و نیز پس، ای زردشت سپیتمان، کسانی که اهل سرزمین مازندر <بودند> به کشور خونیره نرفتند و حتی به منش نیز نیندیشیدند که رویم، بجز از آن کسانی که نام آنان چنین بود: سپیتئوش سپانسنایوش و آرزراسپاه سپانسنایوش که تازیدند برای خردخواهی و به فروشتر از خاندان هُووی رفتند. (گشتاسپی اردکانی، ۱۳۹۹: ۸۵). این قطعه از فرگرد از بندهای

۱۳۹ فریدون، دارندهٔ سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر نسک و متن مانوی. اوستا که در این فرگرد به صورت مهمان آمده‌اند ساخته شده است.<sup>(۱۵)</sup> در کوش‌نامه کارهایی که فریدون با مازندران کرده است، به کوش نسبت داده شده است:

**کوش‌نامه (کارزار کوش پیل‌دندان با سیاهان بجّه و نوبی):**

چو پیروز شد کوش و آمد فرود	بدان شادکامی می آورد و رود
بفرمود تا هر کسی کشته‌ای	سیاهی به خون اندر آغشته‌ای
بپختند و کردند بریان گرم	نه آزر در دل نه در دیده شرم
تنی چند را پاره کردند نیز	بپخته از آن دیگ و هر گونه چیز
تنی چند را پوست بیرون کشید	به گیتی کسی آن شگفتی ندید
گروهی به دو نیم کردند پست	گروهی بُریده سر و پای و دست

(ابراشان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۵۷۵)

در سودگرنسک آمده است که فریدون دیوان مازندر را در دیگ انداخته و به تن آنها آسیب وارد کرده است؛ اما سرایندهٔ کوش‌نامه این کارها را به کوش نسبت داده است و داستان را کاملاً تغییر داده است. مرادی مختار خانلو در پایان‌نامهٔ خود برای این قطعه از سودگرنسک، تنها ترجمهٔ وست را آورده است و آوانویسی متن دینکرد و بررسی اوستا و زند را نیاورده است (مرادی‌مختارخانلو، ۱۳۹۰: ۵۹).

#### ۲-۴. فریدون و نیروی درمانگری او از طریق افسونگری و پهلوانی در متن مانوی dr

در متن مانوی dr یا M781+M1314+M1315 (T I) که به فارسی میانه است، دربارهٔ نیروهای فریدون برای دفع تب و بیماری مطالبی آمده است. در این متن فریدون هر سه نیرو را همزمان برای درمان تب و بیماری به کار می‌برد:

afsōn ī tab ud wād ī ... ud xwānīhēd idarā. u-š se pahikirb ast, u-š par če'ōn paškūz. ud andar astag nišīnēd, ud andar mastarag ī mardōmān. ud xwānīhēd tab wuzurg. afsāyīhēd pad āb ... rōyēn ud ādurestar u-š abar afsāy ēda'ōn (Boyce, 1975: 187).

**افسون تب و باد ...** و خوانده شود ایذرا (= اژدها). او را سه پیکر است و پَرش چون پَشکوز (= شیردال). و اندر استخوان نشیند، و اندر جمجمهٔ مردمان. و خوانده شود تب بزرگ. **افسون شود به وسیلهٔ آب ... رویین و خاکستر و بر او افسون کن چنین ...**

... ēn-iz tab ī awāhmān ī awāhmān pus, uzīhād ud wany bawād, pad nām ī xwadāwan yišō aryamān, pad nām ī-š pidar burzist, pad nām ī wāxš yōjdahr, pad nām ī handēšišn ī naxustēn, pad nām ī el yōjdahr, pad nām ī baubo, pad nām ī \*mōmīn ī \*ērīzān, mīxaēl ud rufaēl ud gabraēl, pad nām ī ... ud wasēxwar, pad nām ī ... čabōt ud band ī rōšn ud pad ... (Boyce, 1975: 187).

... نیز این تب بهمان پسر بهمان، بیرون شواد و نابود باد، به نام خداوند عیسی آریامان، به نام پدرش، بزرگترین، به نام واخش یوژدهر (روح‌القدس)، به نام اندیشهٔ نخستین، به نام تیل مقدس، به نام بتوبو، به نام مومین ایرزان، میکائیل، روفائیل و جبرائیل، به نام ... و پُرخور، به نام سَبَتوت و بندِ روشن و به ....

... hāmāg ... Frēdōn nirāmād ... u-m \*se pahikirb ud <sup>+</sup>frōg (?) ī ādurēn andar istād hēnd. ud **tabar ī tēj ud wišōbāg** pad dast dārēm, u-m **šafšēr ud čilān ī hasūd armās ī pāk** pērāmōn ōbāyēd, u-m aspšōn īg gōwišn ud ašnawišn ī frēstagān ... abāg ast, ud **haft čilān istaft pōlāwad** ī-m pad dast grift ... (Boyce, 1975: 188).

... فریدون ... همه ... را مهار خواهد کرد. ... و سه پیکر و فروغ آتشین در من ایستادند. و تبر تیز و ویرانگر در دست دارم و شمشیر و خنجر اصل از فولاد خالص پیرامونم را حفظ می‌کند و تازیانه سخن گفتن و شنیدن فرشتگان ... با من است و هفت خنجر فولادی سخت که در دستم گرفته‌ام ....

... wispān ... īg kadag, ud wispān rāzān ī kadag, ud wispān wādān bazagān ī kadag, wispān xēšmēn apparān ī kadag zanān, u-šān nispurd ērpāyān bannagān, \*a'ōn kū zēn nē \*istānānd, ud padīrag man nē \*ēstānd, u-šān rōšn \*apparān ud abar xwēš ispīzišn abzāyān, \*u-šān zōr apparān ud abar xwēš zōr abzāyān (Boyce, 1975: 188).

... همه ... ی کده را، و همه رازهای کده را، و همه بادهای پلید/گناهکار کده را، همه دزدان خشمگین کده را خواهم زد، و بندگان سرکوب‌شده زیر پایشان را، چنانکه زین‌افزار نخواهند ستاند، و پذیره من نخواهند ایستاد، و روشنی‌شان را خواهم ربود و بر درخشش خویش خواهم افزود، و زورشان را خواهم ربود و بر زور خویش خواهم افزود.

در این متن مانوی، بیماری و تب به اژدها تشبیه شده است که سه پیکر دارد و بال‌هایی شبیه به شیردال دارد. idarā در این متن، همان «اژدها» است که در قسمت پیشین ذکر شد. دارای سه پیکر بودن آن، نمادی از آژی دهاک است، زیرا ضحاک خود نمادی از بیماری است که بر روی کتف‌هایش دو مار روییده است و همه پزشکان از درمان او عاجز هستند. آژی دهاک در اوستا با صفت «سه پوزه سه سر شش چشم دارنده هزار بند و افسون» شناخته می‌شود. فریدون در این متن مانوی، سه سلاح فولادی برای مبارزه با این اژدهای سه‌پیکر دارد و با استفاده از این سه سلاح و این افسون ضد تب و بیماری، نقش کنترل‌کننده تب و بیماری و درمانگری را دارد. این سلاح‌ها متعلق به ایزد مهر است و در اوستا نام آنها در مهریشت آمده است. (۱۶)

بویس در پاورقی متن «dt یا M4b» در مورد ثرَٔتُون، فریدون شاه، ثرَٔتُون اوستایی را که هنوز هم زردشتیان از او به عنوان «شاه فریدون» برای کمک در برابر بیماری و سایر بدی‌ها یاد می‌کنند، یاد کرده است. فریدون نیو «فریدون دلیر» به شیوه سنتی زردشتی با ایزد مهر پیوند خورده است (Boyce, 1975: 190). مرادی مختار خانلو در پایان‌نامه خود تنها سه سطر را که نام فریدون در آن آمده است، از ترجمه مختاریان آورده و کل متن dt را نیاورده است و آوانویسی آن را نیز اصلاً ننوشته است. این متن مانوی شبیه به افسون شاه فریدون در کتاب خرده اوستای کهن زردشتیان است که برای دفع تب و بیماری و بادهای پلید و آسیب‌رسان خوانده می‌شده است، با این تفاوت که برخی نام‌ها در آن تغییر کرده است و این افسون در آیین مانوی به شکل دیگری نوشته شده است. بخشی از افسون شاه فریدون به شرح زیر است:



تصویر ۲. بخشی از افسون شاه فریدون در کتاب خرده اوستای کهن زردشتیان

در افسون شاه فریدون به جای عبارت *awāhman ī awāhman pus* «بهمان پسر بهمان» که در متن مانوی آمده است، نوشته شده است «فلان بن فلان». در افسون شاه فریدون به جای عبارت «به نام خداوند عیسی آریامان، به نام پدرش، بزرگترین، به نام واخش یوژدهر (روح-القدس)، به نام اندیشهٔ نخستین، به نام تیل مقدس، به نام بتوبو، به نام مومین ایرزان، میکائیل، روفائیل و جبرائیل، به نام ... و پُرخور، به نام سَبَتوت و بندِ روشن» که در متن مانوی آمده است، نوشته شده است «فه نام ایزد، به فرمان ایزد، به نام نیک فریدون گاودایه (سه بار)». مرادی مختار خانلو در پایان‌نامهٔ خود به متن «افسون شاه فریدون» در خرده اوستا هیچ اشاره‌ای نکرده است و آن را در پژوهش خود نیاورده است. این افسون‌های مانوی و زردشتی هر دو برگرفته از مطالبی هستند که در اوستا دربارهٔ فریدون ذکر شده است و به بند ۱۳۱ فروردین یشت اشاره دارند:

**Avesta: Ɔraētaonahe āθβiiānōiš**  
*ašaonō frauuašim yazamaide*

فروهر [گرونده] پاک «ثَرَاتُون» (= فریدون)، زاده «آتوی» (= «آتیین») را می‌ستاییم،

از بهر ایستادگی در برابر گری (= جرب) paitišātāe garēnāušca  
و تب و رنجوری (?) tafnaošca naēzaheca  
و لرز (= تب سرد) و بیماری سخت (?): sārastōišca vāuuaršiiāšca  
paitišātāe aži.karštahe t̥bēšāṇhō, ... (Yt. 13/131).

از بهر ایستادگی در برابر دشمنی پدیدآمده از اژدها ... (مولایی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

فریدون در فروردین یشت با ثریت در فرگرد بیستم و نذیرداد یکی است:

**Avesta:** āaṭ mraoṭ ahurō mazdā, **Srītō** paoiriiō spitama zaraθuštra mašiiānaṃ  
θamnaṇuhataṃ varəcaṇuhataṃ yaoxštiuuatāṃ yātumatāṃ raēuuatāṃ taxmanāṃ  
paraḍātāṃ yaskəm yaskāi dāraiaīṭ mahrkəm mahrkāi dāraiaīṭ vazəmnō-aršti dāraiaīṭ  
āθrō tafnuš dāraiaīṭ tanaoṭ haca mašiiēche (V. 20/2).

آنگاه اهورمزدا گفت: «ثریت بود نخستین، ای سپیتمان زردشت، از مردمان، از مراقبت‌کنندگان،  
از ورجاوندان، از زبردستان، از جادومندان، از رایومندان، از تهمان، از پیشدادان، بیماری را به  
بیماری راند، مرگ را به مرگ راند، نیزه پَران را راند، آتش تب را راند از تن مردم.»

**Zand** (V. 20/2): u-š guft Ohrmazd [kū]: “**Srīt** fradom, Spitāmān Zardušt az  
mardōmān pahrēzōmandān, warzāwandān, kāmagōmandān, bahrōmandān,  
rāyōmandān, tagīgōmandān, pēšdādān, [ā-š] yask ō yask dāšt, [u-š] marg ō marg  
dāšt, wāzān aštar dāšt, u-š ātaš tabišn dāšt, az tan bē mardōmān.” [ay, Srīt ī Sāmān,  
nē Srīt ī Sirazdān, ān gyāg kū mad ēstēd ā-š tuwān būd kardan. ast kē ēdōn gōwēd,  
ay, Jam būd, u-š srītiḥ ēd būd kū xwadāy ī sidīgar būd] (Anklesaria 1949: 391-392).

و اورمزد او را گفت [که]: «ثریت نخست، ای سپیتمان زردشت، از مردمان پرهیزمندان،  
ورجاوندان، آرزومندان، بهره‌مندان، رایومندان، نیرومندان، پیشدادان، [که] بیماری را به بیماری  
نگه داشت، [و] مرگ را به مرگ نگه داشت، خنجر پَران را نگه داشت، و آتش تب را نگه داشت  
دور از تن مردمان». [یعنی، ثریت پسر سام، نه ثریت پسر سیرزد، آن جا که آمده است، پس او را  
توان انجام دادن بود. است که ایدون گوید، یعنی جم بود، و سومین بودنش این بود که سومین  
فرمانروا بود].

نکته مهمی که باید به آن اشاره شود، این است که نویسنده زند، در مورد تشخیص نام ثریت  
دچار اشتباه شده است.<sup>(۱۷)</sup> در تفسیر زند، مفسر هم نظر خود را درست نوشته و آن را ثریت پسر  
سام ذکر کرده است، هم نظر شخص دیگری را که به اشتباه بیان کرده او جم بوده است، به آن  
افزوده است.

**Avesta:** višciθrəm dim aiasata āyapta xšaθra vairiia paitišātāe yaskahe paitišātāe  
mahrkahe paitišātāe dāzu paitišātāe tafnu paitišātāe sāranahe paitišātāe sārastiiēche  
... paitišātāe ayašiiā pūitiiā āhitiiā yā aṇrō mainiiuš frākərəntaṭ auui imāṃ tanūm  
yaṃ mašiiānaṃ (V. 20/3).

از او دارو خواست، آن را از شهریور (امشاسپند) به دست آورد، برای پایداری در برابر بیماری،  
برای پایداری در برابر مرگ، برای پایداری در برابر درد، برای پایداری در برابر تب، برای پایداری  
در برابر سارن، برای پایداری در برابر لرز (= تب سرد)، ... برای پایداری در برابر چشم بد،  
پوسیدگی و عفونتی که اهریمن در تن مردمان ایجاد کرده بود.

۱۴۳ فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر نسک و متن مانوی.

Zand (V. 20/3): wiš-čihr awē xwāst [be] ayāft az Šahrewar [ast kē ēdōn gōwēd, ay ayāft ēstād pad Xšahrewar, kū-š sar bun pad zarr bast ēstād] pad abāz ēstišn ī yask, pad abāz ēstišn ī marg, pad abāz ēstišn ī dard, pad abāz ēstišn ī tab, pad abāz ēstišn ī sārana, pad abāz ēstišn ī sārastya, ... pad abāz ēstišn ī ayaši pūdag āhōgēnīdār [sōr-čāšmīh] kē Ganāg mēnōg frāz karēnīd abar ō tan ī mardōmān [har kas-ē(w) weh pad xwad, wattar pad kasān] (Anklesaria 1949: 392).

<از> او دارو خواست، [ب] یافت از شهریور (امشاسپند) [است که ایدون گوید، یعنی، یافته بود به وسیله فلز، یعنی سراپای بیماری را با طلا بسته بود] برای پایداری در برابر بیماری، برای پایداری در برابر مرگ، برای پایداری در برابر درد، برای پایداری در برابر تب، برای پایداری در برابر سارن، برای پایداری در سارستیه، ... برای پایداری در برابر عفونت آلوده کننده آغشی [شورچشمی] که گنامینو (= اهریمن) پدید آورد در تن مردمان [هر کسی با خود <حالش> خوب <بود>، با کسان <حالش> بد <بود>].

نیروی درمان بخشی فریدون از به دست آوردن دارو از شهریور امشاسپند یا بستن طلا به بدن بیماران به عنوان دارو به دست آمده است. پزشکان امروزه به این نتیجه دست یافته اند که استفاده از طلا توسط بیمار می تواند در درمان بیماری مؤثر باشد و امروزه آن را تجویز می کنند (Benedek, 2004; Sztandera et al., 2019)؛ اما فریدون در زمان باستان به این کشف رسیده بود و آن را برای بیماران تجویز می کرد. مرادی مختار خانلو در پایان نامه خود، زند این بندهای وندیداد را بررسی نکرده است و درمانگری فریدون را به گیاه هوم نسبت داده است و تمرکز پژوهش او در درمانگری بر روی گیاه هوم است (مرادی مختار خانلو، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۵).

### ۳-۴. فریدون در مقام پیشنهاد رسالت دین توسط اورمزد در ورشت مانسر نسک

در فرگرد سیزدهم (فرگرد Uštāuuaitī) از ورشت مانسر نسک، درباره اینکه اورمزد نخست دین را به جم نموده و سپس به فریدون نموده است، مطالبی ذکر شده است:

ud abar abrdīh ī wištāsp ud Zardušt. ud ēn-iz kū-m nimūd dēn ō Jam ī hu-ramag, u-m nimūd ō rōšn ī buland Frēdōn, u-m nimūd ō Kay Arš. u-m nimūd ō Sāmān Karsāsp, u-šan nē padīruft az stahmagīh ī druz ī a-niyōšidārīh ī-šan abar mehmān būd. ud ēn-iz kū āgāh būd hom kū rawāg nē bawēd pēš az ān tā ka ō man rasēd Srōš-ahlā Wištāsp kē-š abāg ān ī meh<sup>+</sup> rad Zarduxšt (Madan, 1911: 851).

و درباره شگفتی گشتاسب و زردشت. و این نیز که دین را به جم نیک رَمه نمودم، و به فریدون روشن بلند نمودم، و به کی آرش نمودم، و به گرشاسپ از خاندان سام نمودم، و ایشان نپذیرفتند از نیرومندی دروج نافرمانی که در ایشان ساکن بود. و این نیز که آگاه بودم که رواج نیابد <دین>، پیش از آن تا هنگامی که به من رسد سروش آهلا، گشتاسب که همراهش رد (= سرور) بزرگ زردشت <است>.

این قطعه ساخته شده از شش بند اوستایی است، یعنی از بندهای ۱۳۱، ۱۳۲ و ۱۳۶ یشت ۱۳، بندهای ۲ و ۳ از فرگرد دوم وندیداد و بند ۱۲ از هات ۴۳ یسنا ساخته شده است. بندهای ۲ و ۳ فرگرد دوم وندیداد و بند ۱۲ از هات ۴۳ یسنا در زیر آورده شده است تا شیوه ساخت و آنچه

افزوده نگارنده دینکرد، آذرباد امیدان، است، مشخص گردد. بند اصلی این قطعه که متعلق به این فرگرد است، بند ۱۲ از هات ۴۳ یسنا (هات Uštatauaitī) است و مطالب بقیه بندها به صورت مهمان در این قطعه از فرگرد نوشته شده‌اند: <sup>(۱۸)</sup>

**Avesta:** hiiatcā mōi mraoš, ašəm jasō frāxšnənē  
aṭ tū mōi nōiṭ, asruštā pairiaoyžā  
uzirōidiiāi, parā hiiat mōi ā.jimaṭ  
səraošō aši, maža.raiiā hacimnō  
yā vī ašiš, rānōibiiō sauuōi [vī]dāiiat (Y. 43/12).

و هنگامی که به من می‌گویی: «با دوراندیشی به راستی می‌رسی»، همانا فرمانی به من می‌دهی که نباید نافرمانی شود. بگذار برخیزم پیش از آنکه توجه به سوی من جلب شود و پس از آن پاداشی که ثروت‌بخش است بیاید، پاداشی که مطابق با توازن در زمان تخصیص سودها تقسیم خواهد شد (Humbach & Ichaporia, 1994: 63).

**Zand:** (Y. 43/12 a) kē-z tān ō man guft kū-t ō ahlāyīh rasišn was. (b) ēdōn tō nē az ān ī man a-niyōšīdārīh abar guft [nē a-niyōšīdārīh man rāy būd ka-tān ēd guft kū +nūn dādan nē šāyēd]. (c) ul uzišnīh pēš az ān tā ka ō man ān rasēd (d) srōš-ahlāy [Wištāsp] kē-š ān meh rad abāg [Zardušt] (e) kē be rāst ō pahikārdārān sūd dahēd [ān Wištāsp] (Dhabhar, 1949: 183).

(الف) که نیز به من گفتید که تو را به پرهیزگاری رسیدن بسیار، (ب) ایدون تو از نافرمانی من برنگفتی [مرا نافرمانی نبود هنگامی که این را گفتید که اکنون دادن نشاید]. (پ) برخاستن پیش از آن تا هنگامی که به من آن رسد، (ت) سروش اهلا [گشتاسب] که آن رد (= سرور) بزرگ همراه اوست [زردشت]، (ث) که به پیکارکنندگان سود را درست بدهد [آن گشتاسب].

**Avesta:** āaṭ mraoṭ ahurō mazdā, آنگاه گفت اهوره‌مزدا:

yimāi srīrāi huuaṭβāi ašāum zaraθuštra ahmāi paoiriiō mašiiānaṃ

«به چه زیبایی نیک‌رَمه، ای زردشت پرهیزگار، نخست بار از میان مردمان، با او

همپرسی کردم، من که اهوره‌مزدا <هستم>،

apərəse azəm yō ahurō mazdā به غیر از توی زردشت،

aniiō θβaṭ yaṭ zaraθuštrāṭ, به او آموختم دین

ahmāi fradaēsaēm daēnaṃ

ahmāi fradaēsaēm daēnaṃ اهورایی زردشتی را.

**Zand (V. 2/2):** u-š guft Ohrmazd kū: “ō Jam ī nek [pad dīdan] hu-ramag, ahlaw Zardušt! [ay, hu-ramagīh ēd būd kū-š ramag mardōmān ud ramag gōspandān drust dāšt], ō awē fradom az mardōmān ham pursīd [hom] man kē Ohrmazd [hom] [kū-m ham-pursagīh ī pad dēn fradom abāg awē kard] hān az tō kē Zardušt [hē]. ā-m ō awē frāz nimūd ēn dēn ī Ohrmazd ud Zardušt (Anklesaria, 1949: 15-16).

اورمزد او را گفت که: «به چه نیک [در دیدن] نیک‌رَمه، ای زردشت پرهیزگار! [یعنی، نیک-

رمگی این بود که او رَمه مردمان و رَمه گوسفندان را درست نگه داشت]. او را نخست از مردمان

همپرسید [م] من که اورمزد [هستم] [یعنی همپرسگی در دین را نخست با او کردم] غیر از تو که

زردشت [هستی]. پس به او فراز نمودم این دین اورمزدی و زردشتی را.



سودگرنسک، اسطوره‌ای اصیل است که در اوستا، شاهنامه، گرشاسب‌نامه و کوش‌نامه نیز آمده است. اسطوره «باریدن خرفستران (= جانوران زیانکار) از بدن ضحاک»، اسطوره خلق‌شده است که از بند مهمان‌شده از اوستا در این فرگرد ساخته شده است. اسطوره «رویاریوی فریدون با دیوان مازندر» در فرگرد بیستم سودگرنسک، اسطوره‌ای است که در مجمل‌التواریخ و القصص نیز ذکر شده است. اسطوره «استفاده از افسون و جادو توسط فریدون برای غلبه بر دیوان مازندر»، اسطوره خلق‌شده است که از بندهای مهمان‌شده اوستا در این فرگرد ساخته شده است. اسطوره «مبارزه فریدون بر علیه تب و بیماری»، و «افسون ضد تب» مربوط به شاه فریدون در متن مانوی dr اسطوره‌ای اصیل است و در اوستا نیز وجود دارد. اسطوره «دادن پیشنهاد رسالت دین توسط اورمزد به فریدون و نافرمانی کردن فریدون از اورمزد» در فرگرد سیزدهم ورشت-مانسرنسک، اسطوره خلق‌شده است و در اوستا وجود ندارد و به علت نوشتن نام فریدون به عنوان واژه مهمان‌شده، این اسطوره توسط آذرباد امیدان خلق شده است.

### تعارض منافع

نویسندگان متعهد می‌شوند مقاله تعارض منافع ندارد. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. این واژه در متن این فرگرد از سودگرنسک به صورت تصحیف آمده بود و با توجه به اینکه در کوش‌نامه واژه «زبویان» آمده بود، در متن، حرف‌نویسی به صورت [z̥bwy'n] گرفته شد که در متن به جای حرف z، حرف d آمده و به جای حرف y، حرف s آمده است و آوانویسی به صورت zabūyān تصحیف شد. در کوش‌نامه در بخش «زفتن دستور از پیشه به کوه دماوند» آمده است که مَنان کوه دماوند ویزی را که در دماوند بوده است، در آن روزگار «زبویان» می‌خواندند (ایران‌شان‌این‌ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۳۷۶).
  ۲. مصدر wānidan «مغلوب کردن» برگرفته از صفت اوستایی aiβi.vaniiā «غالب، چیره» است که در بند ۳۴ یشت ۵، بند ۳۴ یشت ۱۷ و بند ۱۴ یشت ۹ در عبارت ... yaṭ bauuāni aiβi.vaniiā aži̯m dahākəm «که من چیره شوم بر آژی دهاک ...» (مولایی، ۱۳۹۲الف: ۶۸) برای فریدون آمده است. مصدر zadan «زدن»، برگرفته از فعل اوستایی janaṭ «زد» در بند ۸ هات نهم یسنا — که در بند ۷ همین یشت آمده است که زاده شدن فریدون پاداش و ایفتی بوده است که به پدرش آبتین برای فشردن هوم داده شده است — و بند ۴۰ یشت ۱۴ — که در بند ۳۹ همین یشت آمده که فریدون پیروزی اورمزد را به همراه دارد — و بند ۳۷ یشت ۱۹ — که در بند ۳۶ همین یشت آمده که فریدون به سبب فرکیانی پیروزمندترین بوده است — در عبارت ... yō janaṭ aži̯m dahākəm «که زد آژی دهاک ... را» است و در زند بند ۴۰ یشت ۱۴ به صورت ... kē-š zad az ī dahāg ī «که زد آژی دهاک ... را» (Dhabhar, 1927: 132) آمده است، که در آن به زدن ضحاک توسط فریدون اشاره شده است.
  ۳. واژه wazr ترجمه پهلوی واژه اوستایی vāzra- است که ۱۰ بار در اوستا آمده است، که گاهی گرز ایزد مهر است (Bartholomae, 1961: 1392). واژه wazr «گرز» در اینجا برگرفته از عبارت اوستایی **vazrəm srīrəm huniuixtəm satafštānəm satō.dārəm frauuāc̥yəm vīrō.niiāncim zarōiš aiaaṅhō frahixtəm amauuātō zaraniiehe amauuastəməm zaiianəm vərəθrauuastəməm zaiianəm** «گرز زیبای خوب‌چرخنده صدگره، صدتیغه، به جلوچرخنده مردافکن، به آهن زرد طلایی آهخته‌شده، نیرومندترین زین‌افزارها، دلیرانه‌ترین زین‌افزارها» است که در بند ۹۶ و ۱۳۲ یشت ۱۰، برای ایزد مهر ذکر شده است و همچنین عبارت اوستایی **vazrəm huniuixtəm** «گرز خوب‌چرخنده» در بند ۵ یشت ۶، که گرز ایزد مهر است. صورت زند واژه اوستایی vāzra- به صورت wazr است که در زند بند ۱۸ یشت ۱، (Dhabhar, 1927: 95) و در زند بندهای ۳۰ و ۳۶ فرگرد ۱۸ وندیداد آمده است (Anklesaria, 1949: 357, 359).
- واژه **šafsēr** «شمشیر» برگرفته از عبارت اوستایی **hazanrəm karətanəm vaiiō.dāranəm hukərətanəm** «هزار شمشیر دولبه نیک‌ساخته‌شده» است که در بند ۱۳۱ یشت ۱۰ زین‌افزار مهر است. صورت زند واژه اوستایی **karəta-** در زند بند ۱۸ یشت ۱ به صورت **kārd** «کارد، شمشیر» و تفسیر آن به صورت **šafsēr** «شمشیر» آمده است (Dhabhar, 1927: 95). و در زند بند نهم فرگرد چهاردهم وندیداد به صورت **kārd** «کارد،



سلاحی نیرومند، چنان سنگی به بزرگی خانه‌ای» آمده است (بنگرید به Bartholomae, 1961: 434 ذیل kat.masah). در اوستا به ریختن چیزی از بینی و واژه vaēnā- «بینی»، تنها در بند ۱۱ هات نهم یسنا و بند ۴۰ یشت ۱۹ اشاره شده است. در تفسیر زند بند ۱۱ هات نهم یسنا به صورت

hād ēn ān ī-š pad kamāl ul šud xšuuāēpaiia vaēnaiia barəšna ān ī-š pad zafar bē ōbast. (یعنی این: آن که به سر اهریمنی‌اش بالا رفت «بر روی پشت، بر بینی، به بالا» آن «زهر» از پوزه‌اش بیرون افتاد» - Dhabhar, 1949: 60-61) و در بند ۴۰ یشت ۱۹ در عبارت yim upairi vīš araodaṭ xšuuāēpaiia vaēnaiia barəšna «که جریان پیدا کرد زهر بر روی پشت، بر بینی، به بالا» آمده است. این دو بند مربوط به فریدون نیست و مربوط به کُشتن اژدهای شاخدار توسط گرشاسب است؛ اما آذرباد از این بندها و واژه‌های آن به صورت مهمان در این قطعه استفاده کرده است (بنگرید به Bartholomae, 1961: 1325 ذیل vaēnā-). عبارت burrag ī tēz «بُرندۀ تیز» صورت زنده صفت اوستایی brōiṛō.taēza- «با لبۀ تیز بُرندۀ» است که صفت برای زین‌افزار مهرایزد است که در بند ۱۳۰ یشت ۱۰ آمده است. همچنین این صفت در بند ۳۱ هات ۵۷ یسنا و بند ۱۴ فرگرد ۱۸ و نندیداد به عنوان صفت برای زین‌افزار سروش‌ایزد آمده است (بنگرید به Bartholomae, 1961: 973 ذیل brōiṛō.taēza-). Dhabhar, 1949: 247. واژه dašn «راست» و hōy «چپ» برگرفته از بند ۱۲۶ یشت ۱۰ از واژه‌های hāuuōiia و dašnəm است. عبارت snāxr padīd hēnd «برف‌ها» افتادند» ترجمۀ فارسی میانۀ فعل اوستایی snāčēzīntaēca «برف می‌باند» در بند ۱۲۰ یشت ۵ (آبان یشت) است (بنگرید به Bartholomae, 1961: 1626 ذیل snaēg-) و از این بند اوستا به عنوان مهمان در این قطعه از دینکرد نوشته شده است.

۱۰. ساخت اسطوره توسط آذرباد که یک موبد بوده است، رخداد جدیدی نیست؛ زیرا به غیر از گاهان که کلام الهام‌شدهٔ اهوره‌مزدا به زردشت است، بخش‌های دیگر اوستا چون یشت‌ها، وندیداد و ... توسط مغان سروده شده‌اند و اسطوره‌های موجود در آنها نیز سرودهٔ مغان است.

۱۱. گواه این مطلب، این است که وی می‌خواسته ممدوح خود را برتر از هر شاه ایران به تصویر بکشد تا شاه از او خوشود گردد:

ز گاه کیومرث تا گاه ما	ز گاه کیومرث تا گاه ما
ز روین دژم چند رانی سخن؟	ز روین دژم چند رانی سخن؟
پرستندۀ تخت این شهریار ...	پرستندۀ تخت این شهریار ...
ز بيمش بدرک دل شیر جنگ	ز بيمش بدرک دل شیر جنگ
دو چندان که شاهان روی زمین	دو چندان که شاهان روی زمین
بدین اندکی سال خسرو کشید	بدین اندکی سال خسرو کشید
ملکشاه را چشم روشن شود	ملکشاه را چشم روشن شود
بنازد دل و جان بنازد همی ...	بنازد دل و جان بنازد همی ...
شنیدی که بر لشکر تازیان	شنیدی که بر لشکر تازیان
اگر بازگویم یکی دفتر است	اگر بازگویم یکی دفتر است

(ایرانشان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۵۴-۱۵۵)

۱۲. ترتیب زمانی برای آوردن اسطورهٔ فریدون و جنگ مازندران در کتاب‌ها چنین است: نخست آذرباد امیدان در کتاب دینکرد، وی همزمان معتمد عباسی (۲۵۶-۲۷۹ هـ ق) بوده است و تألیف کتاب وی مربوط به سدهٔ سوم هجری است. دوم مسعودی مروزی که شاعر اواخر سدهٔ سوم و اوایل سدهٔ چهارم هجری است. شاهنامه مسعودی آن‌گونه که از نوشتهٔ مقدسی برمی‌آید باید در حوالی سال سیصد هجری قمری سروده باشد (صفا، ۱۳۳۳: ۱۶۰ و ۱۶۲). سوم ایرانشان بن ابی‌الخیر در دوران سلطنت ممدوح خود، محمد بن ملکشاه، یعنی سال‌های ۴۹۸-۵۱۱ هـ ق. و چهارم مجمل‌التواریخ و القصص که تألیف آن در سال ۵۲۰ هـ ق یا اندکی بعدتر است.

۱۳. در صفحهٔ ۵ مقدمهٔ مجمل‌التواریخ و القصص آمده است که نویسندهٔ این کتاب از قصهٔ کوش پیل‌دندان در نوشتن کتاب خود استفاده کرده است (مجم‌التواریخ و القصص، تصحیح بهار، ۱۳۸۴: مقدمه ۵). پیداست وی اصل قصهٔ کوش پیل‌دندان را در دست داشته است.

۱۴. این واژه در متن سودگرنسک با املای **𐬀𐬎𐬎** می‌تواند هم sag «سنگ» خوانده شود، هم dīg «دیگ» خوانده شود. بنابراین با توجه به کوش‌نامه به صورت dīg «دیگ» خوانده شد.

۱۵. اسطورهٔ جنگیدن با دیوان مازندر در اوستا به هوشنگ پیشدادی تعلق دارد و آذرباد امیدان در این قطعه از فرگرد، از بندهایی از اوستا که به هوشنگ اشاره دارد استفاده کرده است و آنها را به فریدون نسبت داده است. در بند ۲۲ از یشت ۵، بند ۱۲۷ از یشت ۱۳ و بند ۴ از یشت ۹ به اسطورهٔ مبارزهٔ هوشنگ پیشدادی با دیوان مازنی (= بزرگ) اشاره شده است (بنگرید به Bartholomae, 1961: 1169 ذیل māzainya-). آذرباد امیدان از قسمتی از بند ۲۲ یشت ۵ (آبان یشت) و بند ۲۶ یشت ۱۹ (زامیاد یشت) در ساخت این قطعه بهره برده است. عبارت

۱۴۹ فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورثت مانسر نسک و متن مانوی.

u-š ēdōn be zad hēnd pērōzgar ī tagīg Frēdōn, dō srišwādag ān ī māzandar deh  
yaθa azōm nijanāni duua θrišuuā māzaniianam daēuuanaṃ  
yō janaṭ duua θrišuuā māzaniianam  
daēuuanaṃ « که زد (= کشت) دو سوم از دیوان مازنی (= دیوان بزرگ) را » در بند ۲۶ از یشت ۱۹ است. عبارت  
pad panjāh yaṇišnīh ud sad yaṇišnīh ud hazār yaṇišnīh ud bēwar yaṇišnīh ud amar yaṇišnīh  
برگرفته از عبارت

... pañcasaynāi sataynāišca sataynāi hazarāyānāišca hazarāyānāi baēuuarəyānāišca  
baēuuarəyānāi aḥaxštaynāišca

«... با کشتار صد تن به جای پنجاه تن، و با کشتار هزار تن به جای صد تن، و با کشتار ده هزار تن به جای هزار تن، و با کشتار صد هزار تن به جای ده هزار تن» (مولایی، ۱۳۹۲: ۸۵) در بند ۵۴ یشت ۵ است که به صورت مهمان در این قطعه نوشته شده است. اما این بند مربوط به فریدون نیست و به توس اشاره دارد که مردمان تورانی را می کشد.

۱۶. tabar «تبر» در بند ۱۳۰ یشت ۱۰ به صورت hazaṅrəm cakušanam haosafnaēnam bitaēyanam  
hukərətanam «هزار تبر دوتیغه فولادی نیک‌ساخته» آمده است. šafšēr در قسمت پیشین مقاله آورده شد که در کدام بند از مهر یشت قرار دارد. سومین سلاح فولادی او čilān «خنجر» در بند ۱۳۰ یشت ۱۰ به صورت hazaṅrəm arštinam  
hukərətanam «هزار خنجر تیزتیغه نیک‌ساخته» آمده است. در این متن، تازیانه سخن گفتن و شنیدن فرشتگان، اضافه تشبیهی است و سخن گفتن و شنیدن فرشتگان به تازیانه تشبیه شده است. از لحاظ ضربه‌زندگی به گناهکاران.

۱۷. در اوستا چهار بار نام θrita- ذکر شده است: بار نخست به صورت θritō sāmanam در بند ۱۰ یسن ۹ آمده است که ثریت پسر سام است. بار دوم به صورت θritō به تنهایی در بند ۲ فرگرد ۲۰ وندیداد آمده است که فریدون است. نام θrita- در اینجا همان θraētaona āθβiia است، زیرا همتای ودایی آن Trita Āptya (Bartholomae, 1961: 799-800) است. نام Trita تنها یک بار در ریگ‌ودا (1. 158/5) به صورت Traitānā آمده است که معادل صورت اوستایی θraētaona است و در جای دیگر با صورت Trita آمده است که نام پدر او Āptyā است. در این بند از وندیداد برای این نام صورت θrita- به جای Trita ودایی آمده است که همان θraētaona اوستایی است. بار سوم در اوستا، نام θrita- به صورت θritahe sāiiuždrōiš در بند ۱۱۳ یشت ۱۳ و بار چهارم به صورت θritasca sāiiuždrōiš در بند ۷۲ یشت ۵ آمده است که هر دو به معنی ثریت پسر سایوژدری (= سیرژد) است (برای مشاهده نام‌ها بنگرید به Bartholomae, 1961: 807 ذیل θrita-).

۱۸. عبارت kū-m nimūd dēn ō Jam ī hu-ramag  
u-m nimūd ō rōšn ī buland Frēdōn, u-m nimūd ō Kay Arš. u-m nimūd ō +Sāmān Karsāsp  
ساخته شده توسط آذرباد امیدان است و این نام‌ها را از فروردین یشت به عنوان مهمان در این قطعه نوشته است. نام Frēdōn برگرفته از بند ۱۳۱ یشت ۱۳ -θraētaona اوستایی، نام Kay Arš برگرفته از بند ۱۳۲ یشت ۱۳ از kauuay- aršan- و نام +Sāmān Karsāsp برگرفته از بند ۱۳۶ یشت ۱۳ از sāmahe kərəsāspa- اوستایی است. عبارت  
u-šān nē padīruft az stahmagīh ī druz ī a-niyōšidārīh ī-šān abar mehmān būd. ud ēn-iz kū  
āgāh būd hom kū rawāg nē bawēd pēš az ān tā ka ō man rasēd Srōš-ahlā Wištāsp kē-š abāg ān  
ī meh +rad Zarduxšt

را آذرباد امیدان با ترکیب کردن بند سوم فرگرد دوم وندیداد و بند دوازدهم هات ۴۳ یسنا ساخته است.

## منابع

اسدی توسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۸۹). گرشاسب‌نامه. به اهتمام حبیب یغمایی. چاپ دوم. تهران: دنیای کتاب.

ایرانشان بن ابی‌الخیر (۱۳۷۷). کوش‌نامه. به کوشش جلال متینی. چاپ نخست. تهران: انتشارات علمی. تفضلی، احمد (۱۳۹۷). تصحیح و ترجمه سوتگرنسک و ورثت مانسرنسک از دینکرد ۹، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

خرده اوستا (۱۳۰۶). افسون شاه فریدون. ص. ۳۰۶. بی‌نا.

رضازاده‌ملک، رحیم (۱۳۸۳). دیباچه شاهنامه ابومنصوری. فصلنامه نامه انجمن، شماره ۱۳، ۱۲۱-۱۶۶.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۳۳). حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). شاهنامه فردوسی. بر اساس چاپ نسخه مسکو. تهران: بیهق کتاب.

گشتاسبی اردکانی، پورچیستا (۱۳۹۹). سودگرنامه: سودگرنسک از کتاب نهم دینکرد، چاپ نخست، تهران: روزآمد. مجمل‌التواریخ و القصص. تصحیح ملک‌الشعراى بهار. (۱۳۸۴). منتشر شده در تارنمای www.TarikhBook.ir

مجله‌التواریخ و القصص. تصحیح و تحقیق اکبر نحوی. (۱۴۰۰). چ ۲. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.

مرادی مختارخانلو، مینا (۱۳۹۰). فریدون در متون اوستایی، پهلوی و شاهنامه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی گلنار قلعه‌خانی. شیراز: دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مولایی، چنگیز (۱۳۸۸). معنی نام فریدون و ارتباط آن با سه نیروی او در سنت‌های اساطیری و حماسی ایران. جستارهای نوین ادبی ۴۲ (۴): ۱۵۱-۱۷۵.

مولایی، چنگیز (۱۳۹۲الف). آبان یشت (سرود اوستایی در ستایش اردوی‌سور آناهید)، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

مولایی، چنگیز (۱۳۹۲ب). بررسی فروردین یشت (سرود اوستایی در ستایش فروهرها)، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

Anklesaria, B. T. (1946). Pahlavi Vendidad (Zand- i Jvît-Dêv-Dât). Transliteration and Translation in English, Bombay.

Bartholomae, Ch. (1961). Altiranisches Wörterbuckh, Zusammen mit den Nacharbeiten und Vorarbeiten. Strassburg: Karl J. Trubner, 1904, reper. Berlin-NewYork, Walter de Gruyter.

Benedek, Thomas G. (2004). The History of Gold Theraphy for Tuberculosis, Journal of the History of Medicine and Allied Sciences, 59 (1): 50-89.

Boyce, M. (1975b). A Reader in Manichaeic Middle Persian and Parthian. Acta Iranica 9, Tehran-Liège: Bibliothèque Pahlavi. <https://doi.org/10.1163/9789004671041>

Dhabhar, B. N. (1949). Pahlavi Yasna and Visperad. Bombay: Shahnamah Press.

Dhabhar, B. N. (1927). Zand-I Khürtak Avistāk, Bombay: The Trustees of the Parsee Panchayet Funds and Properties.

Geldner, K.F. (1889). Avesta The Sacred Books of The Parsis. Stuttgart.

Goshtasbi Ardakany, P. (2024). "Facts about the Dēnkard" along with "The Review of the Yasna Haptañhāiti from the Waršt-Mānsar Nask and Baγ Nask from the 9th Book of Dēnkard". Asian Culture and History. Published by Canadian Center of Science and Education 17 (1) (November 2024), 1-34. <https://doi.org/10.5539/ach.v17n1p1>

Humbach, H. & Ichaporia, P. (1994), The Heritage of Zarathushtra, A New Translation of His Gāthās. Heidelberg: Carl Winter. Universitätsverlag.

Madan, D. M. (1911). Pahlavi Dinkard Part II. Bombay: The Society for the promotion of researches into the Zoroastrian religion.

MacKenzie, D. N. (1986). A Concise Pahlavi Dictionary. London: Oxford University Press.

Molé, M. (1963). Culte, mythe et cosmologie dans l'Iran ancien: Le problème zoroastrien et la tradition mazdéene. Paris: Presses universitaires de France.

Pakzad, Fazlollah, the corrector and translator. (2005). Bundahišn. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopaedia.

Sztandera, K., Gorzkiewicz, M. and Klajnert-Maculewicz (2019). "Gold Nanoparticles in Cancer Treatment", Molecular Pharmaceutics. 16 (1): 1-23.

Vevaina, Y. S. (2023). The "Sudgar Nask" of "Denkard" Book 9: Text, Translation and Critical Apparatus. Harrassowitz Verlag.